

گونه‌شناسی نقش امام سجاد علیه‌السلام در مدیریت بحرانهای سیاسی - اجتماعی

علی عسکری وزیری*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۰۷

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۳۰

چکیده

مدیریت بحران یکی از موضوعات مهمی است که در طول سالهای اخیر با تأکید بیشتری مورد توجه مدیران در حوزه عمل و اندیشه قرار گرفته است؛ زیرا این بحث به ما کمک می‌کند تا در اداره جامعه راه‌کارها را شناسایی کنیم. شیعیان معتقدند که امامان شیعه نیز در عصر خویش برای حیات و بقای اسلام و مذهب تشیع، به حل و مدیریت بحرانهای سیاسی و اجتماعی پرداخته‌اند. براساس نظریه مدیریت بحران این پژوهش درصدد است نقش امام سجاد علیه‌السلام در مدیریت بحرانهای سیاسی و اجتماعی و راهبری و مدیریت بحران را پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام بررسی کند. نتیجه، این فرضیه را تأیید کرد که شیعه بعد از عاشورا در تبیین باورهای خویش دویاره یافت.

کلیدواژه‌ها: امام سجاد علیه‌السلام و مدیریت بحران، وضعیت سیاسی - اجتماعی و شیعه.

مقدمه

بحران^۱ در واقع، حالتی کاملاً غیرمنتظره و غافلگیرکننده است که در آن فرصت تصمیم‌گیری بسیار کم است. در چنین حالتی، دیگر نمی‌توان از روشهای معمول استفاده کرد. در این حالت، مدیریت پیش از هر چیزی به تجربه، مهارت، سرعت، هوشمندی، خلاقیت و موقع‌سنجی نیاز دارد و باتوجه به اطلاعات باید هرچه سریعتر، موضوع ارزیابی، و نسبت به آن اقدام شود.

مفهوم بحران می‌تواند به معنای انحراف از وضعیت تعادل عمومی رابطه سازمان با محیط باشد که سازمان مجبور است پیوسته از آن آگاهی داشته باشد. در هر یک از این دو نگرش، اجرای مسائل بحران در دیدگاه مدیریت راهبردی به بهترین وجه قابل درک است (Booth, 1993, P. 64).

در یک تعریف، بحران، وضعیت تنشی است که اولاً از قبل قابل حدس و مورد انتظار نیست. ثانیاً پاسخ صحیح و فوری لازم دارد. ثالثاً روشهای پیشگیری متعارف و موجود، توان پاسخگویی به آن را ندارد. رابعاً ارزشها و اهداف جامعه را تهدید می‌کند. بحران سیاسی - اجتماعی نیز وضعیتی است که در آن ثبات و توازن نظام سیاسی - اجتماعی برهم می‌خورد. برای جلوگیری از شدیدشدن بحرانها از بین رفتن روابط و مصون ماندن سازمانها در مقابل تهدیدات و وقایع ناگوار، وجود مدیریت بحران ضروری است. ممکن است با وقوع بحران در بخش خصوصی، شرکتها مشتریان خود و سازمانهای غیرانتفاعی، اعتبار و اعضای خود را از دست بدهند؛ هم‌چنین دولتها متحمل دردهای فراوان شوند (گاتزچاک، ۱۳۸۳: ۶).

بنابراین، مدیریت بحران^۲ فرایندی نظام‌یافته است که طی آن، سازمان تلاش می‌کند بحرانهای بالقوه را شناسایی و پیش‌بینی کند؛ سپس در مقابل آنها اقدامات پیشگیرانه انجام دهد تا اثر آن را به حداقل برساند. برای اجرای این فرایند باید مشخص شود که بحران در چه مرحله‌ای قرار دارد تا بتوان نسبت به اقدامات پیشگیرانه و یا هر اقدام مناسب، تصمیم درستی گرفت و روشهای صحیحی را به اجرا آورد (رضوانی، ۱۳۸۵: ۲۵-۲۰).

1. Crisis
2. Crisis management

نکته قابل توجه این است که برای مقابله با بحرانهای سیاسی - اجتماعی سه مرحله در نظر گرفته می‌شود: قبل از وقوع، هنگام وقوع و پس از بحران که مدیر در هر مرحله باید اقدامات مناسب را انجام دهد.

شیعیان نیز با توجه به معنا و کارکردهای بحران بر این باورند که امامان شیعه (ع)، فرستادگان خدا برای هدایت و مدیریت دین و دنیای مردم هستند. در این نگاه، امامت یکی از مسائل اساسی و ضروری شیعه است (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۲) و علاوه بر پیشوایی دینی، رهبر سیاسی نیز هست و در تمامی رفتارهای سیاسی، شیعیان همواره به آنان توجه می‌کنند و اوامر آنان را می‌پذیرند (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۲).

با تأمل در تاریخ اسلام بویژه سیره معصومان (ع) درمی‌یابیم که بحرانهای سیاسی و اجتماعی زیادی در حیات طیبه ایشان اتفاق افتاده است و آنان در پاسخ به بحرانهای فرارو، الگوی مناسب و مبتنی بر اندیشه و حیانی داشته‌اند. گرچه ممکن است نوع بحرانی که حضرات معصومین (ع) با آن روبه‌رو بوده‌اند با بحرانهای معاصر تفاوت داشته باشد، درک و شناخت منطق پاسخ به بحران یا به عبارتی، مدیریت بحران آنان می‌تواند به بهبود زندگی سیاسی و اجتماعی انسان معاصر و حل بحرانهای پیش‌رو کمک زیادی بکند؛ بنابراین، مبتنی بر این نظریه و تعریف بحران، محقق به دنبال این است تا از سیره امام سجاد علیه‌السلام، الگویی را استخراج کند. علت انتخاب عصر امام سجاد علیه‌السلام هم این است که وقایع سیاسی و اجتماعی حاکم بر زندگی ایشان و علویان علاوه بر تعدد و تنوع، بسیار چالشی بوده است؛ موضوعی که تاکنون کسی با این رویکرد به آن نپرداخته است.

سؤال اساسی این است که نقش امام سجاد علیه‌السلام در مدیریت بحرانهای سیاسی و اجتماعی چه بوده است؟

شیوه پژوهش، کتابخانه‌ای بوده که به اقتضای ماهیت پژوهشهای تاریخی، فیش‌برداری شده است و پس از توصیف و تحلیل محتوا بر چارچوب روش مدیریت حل بحران تطبیق می‌شود.

تحقیقات نشان می‌دهد در بیشتر مواردی که بحران، ایجاد شده بیشترین فشار کاری بر

عهده مدیران و مسئولان بوده است. این مسئله ضرورت افزایش توان مدیران را برای رویارویی با حوادث و جریانه‌های غیرقابل پیش‌بینی بیش از پیش نمایان می‌کند. به نظر می‌رسد بر همین اساس، دوره امام سجاد علیه‌السلام بحرانی‌ترین دوره اسلام است که حاکمانی چون یزید، مروان، عبدالملک و ولید و سلیمان حکومت راندند. حاکمانی که علاوه بر رواج ظلم و فساد، ستم به شیعیان، بدعتهای فراوانی در دوره آنان بر جامعه اسلامی تحمیل شد. ترویج لهو و لعب و انواع مفاسد توسط حاکمان اموی، اسلام را در معرض انحراف و فتنه‌های وحشتناکی قرار داد (طبری، ج ۴، ۱۴۰۹ق: ۴۸۴).

یکی از مباحثی که باید در سیره امام سجاد علیه‌السلام بیشتر به آن پرداخته شود، نقش آن حضرت در رهبری و مدیریت شیعه در زمان بحران و پس از شهادت پدر بزرگوارش، امام حسین علیه‌السلام است.

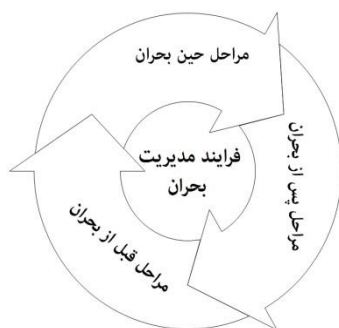
اهمیت و لزوم مطالعه این موضوع، زمانی روشن می‌شود که بدانیم گروهی از مورخان و نویسندگان قدیم و معاصر - از شیعه و سنی - بر این باورند که امام سجاد علیه‌السلام بعد از حادثه جانگداز عاشورا از کارهای سیاسی و اجتماعی کناره گرفت و به امور عبادی و شخصی خویش پرداخت و نه تنها در برابر خلفای بنی‌امیه هیچ‌گونه اعتراض و موضعگیری منفی نشان نداد، بلکه از مطیع‌ترین و محبوب‌ترین افراد اهل بیت (ع) نزد دستگاه حاکم بود (مختاراللیثی، ۱۳۷۱: ۲۹) در حالی که اگر منابع و مآخذ مربوط به زندگی امام سجاد علیه‌السلام مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد، نتیجه‌ای کاملاً عکس این مطلب به دست می‌آید.

عصر امام سجاد علیه‌السلام یکی از پراختناق‌ترین دورانهای تاریخ اسلام برای شیعیان بوده است؛ دوره‌ای که شیعه از بُعد سیاسی، اجتماعی در وضعیت بسیار سختی به سر می‌برد؛ تشکیلات و انسجام آن فروپاشیده بود و در آستانه انقراض قرار گرفته بود. امام سجاد علیه‌السلام با رهبری مدیرانه خویش توانست شیرازه نظام سیاسی و اجتماعی، علمی و فرهنگی شیعه را از فروپاشی حفظ کند و حافظ دین جلدش رسول خدا(ص) و خون پدر بزرگوارش امام حسین علیه‌السلام باشد؛ چنانکه از فضل‌بن شاذان نقل شده است که در ابتدای امامت امام سجاد علیه‌السلام بجز پنج نفر با ایشان نبودند (کشی، ۱۳۶۳ش:

۳۳۲)؛ اما در ادامه می‌بینیم که امام علاوه بر تربیت شاگردان بسیار و تبیین باورهای شیعه در عبور آنان از بحرانهای عصر خویش، تلاش زیادی کردند.

ساختار مفهومی پژوهش

مجموعه اقداماتی که توسط هر مدیر برای حل بحران انجام می‌شود در سه دسته اقدامات پیش از بحران، هنگام بحران و پس از آن قابل طرح و بررسی است. مدیرانی که در حالت ناپایدار محیطی و آکنده از عدم اطمینان فعالیت می‌کنند بر این نکته آگاهند که هر یک از این اقدامات برای حل بحران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به علاوه این مجموعه اقدامات در مدیریت بحران به مثابه یک نظام با هم ارتباط تنگاتنگی دارد به طوری که توجه نکردن به هر نوع از اقدامات می‌تواند باعث غلبه بحران شود با این توضیح که مدیریت بحران باید هر یک از این اقدامات را در برنامه‌های خود مورد توجه قرار دهد؛ زیرا هر یک از این اقدامات سه‌گانه در مهار بحرانهای فرارو نقش مهمی خواهد داشت. درواقع، مدیریت بحران در گرو اجرای اقدامات پیش از بحران، اقدامات هنگام بحران و اقدامات پس از آن است. چنانچه در مدیریت بحران، اقدامات پیش و هنگام بحران، مطلوب اجرا شود، ولی اقدامات پس از بحران مورد توجه مدیران قرار نگیرد، ممکن است بحران جدیدی شکل بگیرد و از این طریق، سازمان را با بحرانهای جدیدی روبه‌رو سازد؛ هم‌چنین اگر اقدامات پیش از بحران به‌طور جدی مورد توجه و ملاحظه قرار نگیرد و تنها به اقدامات هنگام بحران و پس از آن اکتفا شود، ممکن است مدیریت بحران دچار هزینه‌های زیاد و عدم موفقیت در حل بحران شود؛ بنابراین در این الگوی مفهومی - همان‌طور که در شکل ذیل مشاهده می‌شود - هر یک از اقدامات پیش از بحران، هنگام و پس از آن به مثابه خرده‌سامانه برای نظام مدیریت بحران تلقی می‌شود که هر یک در جای خود حائز اهمیت فراوانی است.



نمودار ۱. الگوی چرخشی مدیریت بحران

یافته‌های پژوهش

الف. مهمترین مؤلفه‌های بحران سیاسی و اجتماعی در عصر امام سجاد علیه‌السلام

مهمترین این مؤلفه‌ها عبارت است از:

- بازگشت به الگو و هویت جاهلی حکومت
- تلاش در جهت حذف دستاوردهای انقلاب امام حسین علیه‌السلام توسط عناصر

بنی‌امیه

- بحران چگونگی اعمال ولایت سیاسی اهل‌بیت(ع)

- زنده‌شدن ارزشهای جاهلی

- بحران رهبری سیاسی و دینی شیعه

- وقوع قیامهای متعدد علیه حاکمیت بنی‌امیه

ب. مهمترین اقدامات امام سجاد علیه‌السلام قبل از بحران

مدیریت قبل از بحران، شامل مجموعه اقداماتی است که مدیران، قبل از شکل‌گیری بحران، آن را مورد توجه قرار می‌دهند و اقدامات بازدارنده‌ای را به‌منظور جلوگیری از بحران احتمالی فرارو انجام می‌دهند. با بررسی سیره امام سجاد علیه‌السلام برخی از اقدامات قابل مشاهده است که جنبه بازدارندگی داشته است و می‌توان از آنها به‌عنوان مدیریت پیش از بحران در سیره آن امام یاد کرد.

همراهی با امام حسین علیه‌السلام و حضور در حماسه کربلا

یکی از راهبردهای اصلی امام سجاد علیه‌السلام در حل بحران سیاسی حاکم، حضور

جدی در کاروان کربلا بود تا علاوه بر پیروی و همراهی با امام خویش، بینش و رفتار سیاسی خود را اعلام کند. علی‌بن‌الحسین - یعنی زین‌العابدین علیه‌السلام - (از خیمه) بیرون آمد. او مریض بود و قادر بر حمل شمشیرش نبود. ام‌کلثوم پشت سر او فریاد زد که ای فرزند، برادر برگرد، گفت ای عمه، رهایم کن تا در رکاب پسر رسول خدا (ص) بجنگم [و او را یاری کنم]. حسین‌بن‌علی علیه‌السلام فرمود ای ام‌کلثوم، او را بازدار و به (خیمه) برگردان؛ (چرا که) نباید زمین از نسل خاندان محمد(ص) خالی باشد (خوارزمی، ج ۲، ۱۳۶۷ق: ۳۲).

کسب مقبولیت در امت اسلام

امام سجاد علیه‌السلام، مقبولیت عمومی داشت، همه امت اسلام او را قبول داشتند و بدین دلیل آن حضرت را با القابی نظیر العدل، امام الامه، قده‌ الزاهدین، سیدالمتقین، الامین و... خطاب می‌کردند. دکتر شهیدی معتقد است این القاب را مردم به آن حضرت داده‌اند؛ افرادی که نه شیعه بودند و نه به مقام عصمت و امامت آن حضرت عقیده داشتند؛ بلکه به دلیل بروز صفاتی عالی از آن حضرت و براساس اعتقاد قلبی خود، که به شخصیت آن حضرت داشتند به او این القاب را می‌دادند. هر یک از این لقبها نشاندهنده مرتبه‌ای از کمال نفس و درجاتی از ایمان و اخلاص آن حضرت و اعتماد مردم به آن حضرت بود (شهیدی، ۱۳۸۰: ۸).

از آنجا که ائمه(ع) ریاست بر دین و دنیای مردم را بر عهده دارند برای اعمال ولایت لازم است در جامعه حضور علمی و فرهنگی جدی داشته باشند تا از این طریق دین خدا ابلاغ شود. این تلاش به بروز و ظهور مقبولیت ائمه منجر شد؛ چنانکه محمدبن‌سعد درباره امام سجاد علیه‌السلام می‌نویسد:

علی‌بن‌الحسین علیه‌السلام عالی مرتبه و پرهیزگارترین و بلندمرتبه‌ترین فردی است که از پیامبر(ص) روایت می‌کند» (ابن‌سعد، ج ۵، ۱۳۷۴: ۱۲۳).

ژهری نیز، امام را فقیه‌ترین و داناترین فرد روزگار می‌دانست (ابن‌سعد، ج ۵، ۱۳۷۴ش: ۲۱۴) و می‌گفت وی بیش از همه بر گردن من حق و منت دارد (ابن‌عنه، ۱۴۱۷ق: ۱۹۳).

جمع اوصاف و ویژگیهایی که رسول خدا(ص) و جانشینان راستین آن حضرت

داشتند در آن حضرت به زیباترین و نیکوترین صورتهای نمایان بود و همین تجلی اوصاف بود که مقبولیت عمومی و هیبتی خاص از حضرت ظاهر می‌کرد. وقتی مسلم‌بن‌عقبه حضرت را احضار کرد و به سبب خشمی که از او و خاندانش در دل داشت، قصد کشتن حضرت را کرد، وقتی امام سجاد علیه‌السلام وارد شد، مسلم با دیدن امام به لرزه افتاد و در مقابل امام از جای خود برخاست و با احترام، امام را در کنار خود جای داد (مسعودی، ۱۴۱۷ق: ۷۴)

عهده‌داری منصب امامت

براساس حدیث ائمه اثنی عشر، امامت بعد از امام حسین علیه‌السلام از طریق وصایت و نص الهی به امام سجاد علیه‌السلام رسید (کلینی، ج ۱، ۱۴۰۷ق، ۲۴۱). ایشان نیز براساس منصبی که داشتند به سرپرستی دینی و دنیوی مردم به روشهای مختلف پرداختند و تلاش کردند شیعیان و ماهیت و هویت حقیقی اسلام را از بحرانهای سیاسی و اجتماعی عبور دهند و به تبیین نقش رهبری در این بحرانها بپردازند (کلینی، ج ۱، ۱۴۰۷ش: ۱۷۳).

تبیین مبانی اعتقادی و سیاسی شیعه

یکی دیگر از اقدامات امام علیه‌السلام قبل از وقوع بحران، تبیین مبانی اعتقادی و سیاسی شیعه در قالب دعا بود. ایشان برای رسیدن به این منظور، امامت را در دعاهای خود مطرح می‌کرد و مردم را به آن سوق می‌داد. مهمترین کلید واژگان این دعاها سفارش مردم به ذکر صلوات بر محمد و خاندان او بود؛ به عبارت دیگر مردم در کنار صلوات فرستادن بر رسول خدا، امامت خاندان وی را نیز مورد عنایت قرار می‌دادند و علاوه بر تبیین جدانبودن این دو از هم، التزام به پذیرش ولایت آنان در این صلواتها مطرح بود.

آموزش دین به مردم

امام سجاد علیه‌السلام مسجد نبوی و منزل خویش را محل درس و بحث قرار داده بود و مردم دور وی حلقه می‌زدند و کلام ایشان را حفظ می‌کردند و یا می‌نوشتند (ابن‌عساکر، ج ۳۶، ۱۴۱۵ق: ۱۴۶). امام برای تشویق و برانگیختن حلقه‌های درسی در کنار آنان می‌نشستند؛ چنانکه روزی در حلقه درسی کنار زیدبن‌اسلم نشستند به گونه‌ای که نافع‌بن‌جبیر بر آن حضرت خرده گرفت که شما آقای مردم هستید؛ چرا در کنار بنده‌ای می‌نشینید؛ امام پاسخ داد: «ان العلم یتغی و یؤتی»: علم را از هر که و هر جایی شد بگیر و

بخواه (ابن عساکر، ج ۴۱، ۴۱۵ق: ۳۶۹).

وی طالب علم را تکریم می‌کرد و آداب فراگیران را به آنان می‌آموختند؛ حقوق معلم را گوشزد و تکرار می‌کردند. آن حضرت در این باره می‌فرماید: «طالب العلم إذا خرج من منزله لم يضع رجلاً علی رطب ولا یابس من الأرض إلا سبّحت له الأرضون السبع»: همانا دانشجو چون از خانه‌اش بیرون رود، قدم بر جای خیس و خشکی از زمین نمی‌نهد جز اینکه تا طبقه هفتم زمین برای او استغفار کنند (بحارالانوار، ج ۱، ۴۰۳ق: ۱۶۸).

نصر بن اوس طایی می‌گوید علی بن حسین علیه السلام به من می‌گفت:

مردم - برای پرسش سؤالهایشان - به کجا می‌روند؟ گفتم: اینجا و آنجا. امام فرمود به آنان بگویید که نزد من بیایند (ابن عساکر، ج ۴۱، ۴۱۵ق: ۳۶۵).

کادرسازی مدیرانه

امام سجاد علیه السلام پس از شهادت امام حسین علیه السلام و با بازگشت به مدینه‌النبی (ص)، وظیفه سنگین تربیت کادر انقلابی و مؤمن را بر عهده گرفت؛ در همین زمان بود که حتی فقهای عامه نیز از محضر آن حضرت بهره بردند؛ چنانکه ابن شهاب زهری در موضوعات فقهی از محضر امام بهره برد (اریلی، ج ۲، ۳۸۱ق: ۷۶) و شاگردان مبرّزی از میان شیعیان با استفاده از کرسی‌های دینی و تربیتی امام سجاد علیه السلام در مدینه تربیت شدند که می‌توان در این میان به سعید بن مسیب از فقهای هفتگانه مدینه، قاسم بن محمد بن ابی بکر و ابو خالد کابلی اشاره کرد (کافی، ج ۱، ۴۰۷ق: ۴۷۲).

ج. مهمترین اقدامات امام سجاد علیه السلام هنگام بحران

برخی از اقدامات مدیریتی که در مسائل بحرانی مورد توجه قرار می‌گیرد به زمانی مربوط است که بحران شکل گرفته و جامعه در هر صورت در آن گرفتار شده است.

ایفای مسئولیت خطیر امامت

ماجرای کربلا نشان داد که بسیاری از مردم، گوش شنوای حرف حق و ظرفیت پذیرش مسائل معرفتی را ندارند؛ در این موقعیت طبیعی بود که رهبران معنوی جامعه از هدایت مردم دست بکشند و به کنج عزلت پناه ببرند؛ اما امام علیه السلام در جمع مردم حاضر می‌شدند. مردم سخن و شیوه راز و نیاز حضرت علیه السلام را می‌شنیدند؛ از این رو

است که بسیاری از دعا‌های ایشان به دست ما رسیده و حتی توسط دیگران نگاشته شده است. در واقع امام علیه‌السلام در برابر گوشه‌های ناشنوا سکوت نکردند و تسلیم نشدند؛ بلکه به شکلی دیگر قیام کردند تا انسانهای به‌خواب‌رفته را بیدار، و آن نقش فعالی را در جامعه محقق کنند که عرفان حقیقی دارد؛ بنابراین، ایشان با اینکه در دوره اختناق شدید و تنهایی دردآور زندگی می‌کردند، بسیار فعال و تأثیرگذار در جامعه ظاهر شدند و دقیقاً عنصر عرفان و ارتباط با خدا بود که این نقش فعال را به ایشان بخشید. باید توجه کرد که روش دعا همیشه به‌کار می‌آید؛ اما با توجه به اینکه ما در روزگار امام چهارم علیه‌السلام نیستیم، روشهای دیگر نیز کاربردی خواهد بود؛ زیرا امروز بسیاری از مردم دنیا از خواب غفلت بیدار شده‌اند و گوشه‌های شنوا بسیار است. در کشور خود ما جوانان بسیاری هستند که آرمانها و اهداف انقلاب و ارزشهای عرفانی برایشان مهم است و وضعیت ما این‌طور نیست که رهبران معنوی جامعه در محاصره گوشه‌های ناشنوا و دل‌های به‌خواب‌رفته باشند. بنابراین، امروز مکتب امام علیه‌السلام در سطح بالاتری می‌تواند برای همه انسانهای حق‌طلب مؤثر باشد و می‌توان با استفاده از روش و مکتب دعا و الهام از شیوه حضرت علیه‌السلام برای افزایش قدرتهای معنوی و توانمندسازی ایمانی مردم استفاده کرد تا بتوان در برابر پیشوایان کفر و رهبران جاهلیت مدرن محکم ایستاد و دنیا را به مرحله جدیدی رهنمون شد.

افشای ماهیت حکومت فاسد بنی‌امیه و بیان مظلومیت امام حسین علیه‌السلام

افشای ماهیت حکومت نامشروع بنی‌امیه و فساد ناشی از این سلطه از دیگر برنامه‌های اصلی امام سجاد در برونرفت از بحرانهای فرارو بود. ایشان در خطبه‌های مختلف نسبت به این مسئله اهتمام ورزیدند و شیعیان را از ماهیت حکومت آنان آگاه، و در ضمن آن به بیان مظلومیت امام حسین علیه‌السلام و مشروعیت قیام و حکومت وی اشاره کردند؛ چنانکه در خطبه‌ای فرمودند:

ای مردم!... من پسر کسی هستم که حریمش مورد تعرض دشمنان قرار گرفت و داراییهایش گرفته و اموالش غارت، و خاندانش به اسارت گرفته شد. من پسر کسی هستم که او را زجرگش، و شهیدش کردند و همین افتخار، مرا بس. ای مردم، شما را به خدا سوگند آیا می‌دانید که به پدرم نامه نوشتید و به او نیرنگ زدید؟ با او پیمان بستید و بیعت

کردید؛ آن‌گاه با او جنگیدید و بی‌یاورش گذاشتید؟ مرگتان باد از کار زشت و اندیشه ناروایی که برای خود پیش فرستادید. با چه چشمی به پیامبر(ص) خواهید نگریست آن‌گاه که به شما بگوید عترت مرا کشتید و حرمت مرا شکستید. شما از امت من نیستید؟ راوی گوید صدای مردم به گریه برخاست؛ یکدیگر را نفرین می‌کردند و می‌گفتند نابود شدید و خبر ندارید! (ابن‌نما، ۱۴۱۶ق: ۹۰).

امام سجاد علیه‌السلام هم‌چنین فرصت را برای برملا کردن ماهیت خاندان بنی‌امیه غنیمت شمرد و با بی‌توجهی به رعب و وحشتی که بر مجلس سایه افکنده بود با صلابت از جا برخاست و پیش‌روی یزید قرار گرفت و طی شعری، خطاب به یزید گفت «امید نداشته باشید در حالی که ما را خوار می‌کنید، ما شما را گرامی بداریم و در حالی که ما را اذیت می‌کنید از آزار شما خودداری ورزیم. خدا می‌داند که ما شما را دوست نداریم و از اینکه شما نیز ما را دوست ندارید، سرزنشتان نمی‌کنیم» (ابن‌طاووس، ۱۴۱۷ق: ۲۰۰).

تقویت صبر و استمداد از خدا در مصائب

بعد از حادثه کربلا، تقویت شکیبایی شیعیان و خاندان رسالت برای استمرار حرکت امامت در دستور کار امام بود؛ لذا ایشان علاوه بر نقش گریه و عزاداری برای تسکین دردها به ابزار صبر، تکیه، و دیگران را به آن سفارش می‌کرد تا اهداف قیام کربلا دسخوش شتابزدگی نشود که نتیجه‌ای جز نابودی ندارد؛ لذا امام سجاد علیه‌السلام فرمود: هیئات ای نیرنگبازان دغل‌کار، بین شما و خواسته‌هایتان فاصله است. می‌خواهید با من هم همان کنید که با پدرانم کردید؟ هرگز! سوگند به پروردگار شترهایی که راه‌رونده [در حج] هستند از من دور شوید. هنوز زخممان بهبود نیافته است. دیروز پدرم و خاندانش را که با او بود، کشتید. هرگز داغ پیامبر(ص) و داغ پدرم و فرزندان پدرم و جدّم را از یاد نبرده‌ام و تلخی جانکاهش در کامم است و جرعه‌های اندوهش در سینه‌ام باقی است. از شما می‌خواهم که نه با ما باشید، نه برضد ما (طبرسی، ج ۲، ۱۴۰۳ق: ۱۱۹ - ۱۱۷).

امر به معروف و نهی از منکر

نمونه‌ای دیگر از اقدامات امام سجاد علیه‌السلام، تشویق مردم به امر به معروف و نهی از منکر در برابر حاکمان ستمگر با رعایت شرایط تقیه - در موارد لزوم - بود. این امر از سوی، جباریت حاکمان اموی و از دیگرسو، راهبرد مخالفت با آنان را به مخاطبان

می‌فهماند. امام سجاد علیه‌السلام می‌فرمود: کسی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند و کنار نهد، همانند کسی است که کتاب خدا (قرآن) را پشت سر افکنده است [و بدان اعتقادی ندارد]؛ مگر اینکه در شرایط تقیه ویژه‌ای به سر برد. گفته شد منظور از تقیه ویژه چیست. امام علیه‌السلام فرمود: این است که انسان از سوی جباری ستیزه‌جو، تهدید، و یا موجب سرکشی آن جبار شود (اصفهانی، ج ۳، ۳۸۷ق: ۱۴۰).

سیاست تقیه

مهمترین اصل دینی - سیاسی که امام با استفاده از آن روزگار سیاسی خود را می‌گذراند، تقیه بود.

امام سجاد علیه‌السلام واقعاً در وضعیت سختی زندگی می‌کرد و جز تقیه راه دیگری نداشت. اساس همین تقیه است که موجب حفظ شیعه در آن حالت می‌شد؛ چیزی که خوارج به‌عنوان یک گروه افراطی از آن بی‌بهره بودند و به همین دلیل ضربه‌های بسیار اساسی و کاری خوردند.

در روایتی آمده است که کسی بر امام وارد شد و پرسید چگونه روزگار را می‌گذرانید. امام در پاسخ فرمودند «روزگار را به‌گونه‌ای می‌گذرانیم که در میان قوم خویش همچون بنی‌اسرائیل در میان آل فرعون هستیم. فرزندان ما را می‌کشند و زنان ما را به کنیزی می‌برند. مردم با دشنام‌دادن به بزرگ و سید، به دشمنان ما تقرب می‌جویند. اگر قریش با داشتن محمد بر دیگر اعراب فخر می‌کند و اگر عربها به دلیل داشتن محمد بر عجم فخر می‌کنند و آنها نیز چنین فضیلتی را بر عربها و قریش پذیرفته‌اند، ما اهل بیت می‌باید بر قریش برتری داشته باشیم و فخر کنیم؛ زیرا محمد از میان ما اهل بیت است. اما آنان حق ما را گرفتند و هیچ حقی برای ما نمی‌شناسند. اگر نمی‌دانی روزگار چگونه می‌گذرد، این‌گونه می‌گذرد که گفتیم.» ناقل حدیث می‌گوید امام به‌گونه‌ای سخن می‌گفت که می‌خواست کسانی که نزدیک بودند بشنوند (جعفریان، ۱۳۷۶ش: ۲۵۲).

د. مهمترین اقدامات امام سجاد علیه‌السلام بعد از بحران

مهار و کنترل بحران، ممکن است، موقتی و همچون آتشی زیر خاکستر باشد که در زمانی دیگر برافروخته می‌شود. بنابراین، گروه مدیریت بحران، همواره باید اقداماتی را

پس از حلّ بحران انجام دهد تا از این طریق، دریابند که دیگر بحران، آثار زیانبار و تخریبی ایجاد نمی‌کند.

براساس برخی مطالعات، اقداماتی را بازایی گویند که بعد از بحران انجام می‌شود. این مرحله، که پس از مهار و کنترل بحران انجام می‌گیرد بر مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که به‌منظور عادی‌سازی اوضاع انجام می‌شود. همان‌گونه که بدن انسان را پس از عمل جراحی، چندین ساعت در حالت بازایی قرار می‌دهند تا نشانه‌های حیاتی خود را باز یابد و به حالت طبیعی برگردد (روشندل اربطانی و دیگران، ۱۳۸۸ش: ۷۷) در مدیریت بحران نیز باید پس از مهار موفقیت‌آمیز و کنترل آن، مجموعه اقداماتی را انجام داد تا از این طریق، به روال عادی و طبیعی بازگردد. در سیره امام سجاد علیه‌السلام بعد از وقوع بحران‌های متعدد، مجموعه اقداماتی انجام شد که هر یک نقش مهمی در حل بحران‌های پیش‌رو داشت.

بازسازی هویت تشیع و گسترش آن

هویت تشیع به باورها و رفتارهای خاص اعتقادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی او است. در این هویت‌بخشی، شیعه ملاک و معیارهای خاص خود را با نظام امامت تنظیم می‌کند. ملاک و معیار اصلی وی، پذیرش ولایت ائمه و نپذیرفتن حاکمیت ظلم است. براین اساس امام سجاد نیز این هویت را در قالب و روش‌های مختلفی بازسازی کرد به‌گونه‌ای از نقاط مختلف جهان اسلام برای شنیدن سخنان وی مهاجرت می‌کردند؛ چنانکه ابو‌خالد کابلی با پدرش در کابل ارتباط داشت (کشی، ۱۳۶۳ش: ۱۲۲).

این رفت و آمد وی، زمینه گسترش تشیع را در ناحیه کابل فراهم کرد به‌گونه‌ای که در عصر غیبت صغری، حضرت حجت در آن منطقه دارای وکیل بود (همان: ۴۴۳).

در گزارش دیگری درباره تأثیر کرامت امام بر هدایت فکری و عقیدتی مردم آمده است علی بن خالد که زیدی‌مذهب بود با دیدن کرامات امام سجاد علیه‌السلام به مذهب تشیع درآمد (مفید، ج ۲، ۱۴۱۳ق: ۲۹۲).

بعد از واقعه کربلا با اقدامات بنی‌امیه و عدم شناخت صحیح مردم از فرهنگ اصیل اسلامی، نزدیک بود تشیع به‌طور کامل از صحنه محو شود؛ لذا امام سجاد علیه‌السلام توجه جدی خود را به حفظ آن معطوف کرد و در پوشش تقیه توانست هم خود و پیروان

خود را حفظ کند و هم به هدایت و رهبری شیعه بپردازد. آن حضرت برای رسیدن به این هدف به‌منظور تبیین فرهنگ و اندیشه اصیل اسلامی به اقداماتی دست زد تا جامعه را از ورطه جهل و انحراف از مبانی دینی و اخلاقی نجات دهد. ایشان با تبیین فرهنگ اصیل اسلامی در قالب‌های به‌ظاهر غیر سیاسی، اساس مکتب تشیع را در مقابل طوفانهای سهمگین فکری و عقیدتی بیمه کرد. امام سجّاد علیه‌السلام برای ساختن جامعه دینی، مانند رسول‌خدا(ص) از ابتدا شروع، و فرهنگ تشیع را از اوّل پایه‌گذاری کرد؛^۱ زیرا جهل و بی‌خبری نسبت به دین فراگیر شده بود.

با توجه به وضعیّت خفقان بنی‌امیه، امام سجّاد علیه‌السلام برای تبیین فرهنگ و اندیشه اسلامی از روشهایی بهره برد که کمتر باعث حساسیّت بنی‌امیه گردد. پند و ارشاد امت و توجه‌دادن به آخرت و عذاب و مرگ زودرس، یکی از آن روشها بود؛ به این طریق آنان را به زهد و بی‌اعتنایی نسبت به زخارف دنیا دعوت می‌کرد و بی‌اعتباری دنیا را تذکر می‌داد.^۲ روش دیگر امام سجّاد علیه‌السلام تبیین معارف الهی در قالب دعا بود. حضرت با این روش مردم را از رفتار جباران ستمگر، که از راه حق منحرف گشته بودند و بر نابودی دین خدا اصرار می‌ورزیدند، آگاه می‌کرد. نمونه بارز آن دعاهای امام سجّاد علیه‌السلام است که علاوه بر اینکه شامل راز و نیاز با معبود است از علوم و معارف اسلامی چون اصول اعتقادات، احکام و فروع دین و مسائل اجتماعی سرشار است.

شناساندن مقام امامت و صاحبان اصلی آن به مردم از دیگر اقدامات امام سجّاد علیه‌السلام است که در اوضاع مناسب و قالبهای ویژه‌ای چون تفسیر قرآن^۳ و روایات، دعا و نیایش^۴، بیان مسائل فقهی^۱ و ارائه کرامات^۲ و خبر دادن از امور غیبی (اربلی، ج ۲،

۱. رک: جعفر مرتضی عاملی، دراسات و بحوث فی التاریخ و الاسلام، ج ۱، ۱۴۰۹ق: ۸۵ - ۸۶، تحت عنوان «الامام السجّاد(ع) باعث الاسلام من جدید».

۲. رک: سیّدعلی خامنه‌ای، پیشوای صادق، ۱۳۵۸ش: ۲۰ - ۲۳.

۳. حضرت در تفسیر آیه قصاص (سوره بقره آیه ۱۷۹) گمراه کردن مردم از ولایت و امامت را از قتل نفس بدتر می‌داند و کيفر آن را جاودانگی در آتش جهنم ذکر می‌کند (طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ۱۴۰۳ق: ۱۵۶ - ۱۵۵).

۴. حضرت در بخشی از دعای چهل و هفتم صحیفه سجّادیه می‌فرماید: «خداوندا همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده‌ای که او را نشانه‌ای برای بندگانت و علامتی در شهرهایت به پاداشتی پس از اینکه ریسمان او را به

۱۳۸۱ق: ۳۲۳ - ۳۲۴) بیان می‌شد.

تحکیم مشروعیت اهل بیت (ع)

از دیگر اقدامات امام سجاد علیه‌السلام در راستای حل بحرانهای پیش‌رو، تحکیم مشروعیت اهل بیت بود؛ زیرا حیات و هویت تشیع به مشروعیت الهی امام جامعه و امامت است. بنابراین، ایشان در هر موقعیتی به اعمال ولایت و بیان مشروعیت حکومت ائمه می‌پرداختند؛ چنانکه می‌بینیم بیش از نیمی از خطبه امام سجاد در شام، بیان فضائل امیرمؤمنان علیه‌السلام است. از دیگر اقدامات امام علاوه بر بیان منزلت خاندان رسالت، تحقیر حکومت است؛ چنانکه امام سجاد علیه‌السلام در مسجد جامع به‌دور از انتظار یزید، وضع را به نفع اهل بیت امام (ع) تغییر داد به‌گونه‌ای که جو حاکم بر دمشق دیگر به یزید اجازه نمی‌داد که آنها را دوباره تحت عنوان اسیر، زندانی کند؛ از این‌رو بنابر تصریح بیشتر مورخان آنها را آزاد گذاشت و در خانه‌ای متصل به منزل خودش جای داد (ابن‌اعثم، ج ۵، ۱۴۱۱ق: ۱۳۳).

از دیگر کارهای امام در بیان مشروعیت ائمه اطهار بهره‌گیری از اعجاز خاص امامت بود. این روش نیز برای برخی از کسانی به‌کار گرفته می‌شد که دنبال شناخت حق بودند و با پیوستن به آن در گسترش و دفاع از آن نقش بسزایی داشتند. در گزارشی نقل شده است که ابو خالد مدتی در خدمت محمد حنفیه بود تا او را به حرمت پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین علیه‌السلام قسم می‌دهد که آیا تو امام مفترض الطاعه بر خلق هستی. محمد در پاسخ گفت به امر عظیمی مرا سوگند دادی. بدان که امام من و تو و هر مسلمانی علی‌بن‌حسین علیه‌السلام است. سپس ابو خالد به سراغ امام سجاد علیه‌السلام می‌آید و معجزه‌ای از علم الهی ایشان می‌بیند و تسلیم حضرت می‌شود (طوسی، ج ۱، ۱۴۰۴ق: ۳۳۶).

ریسمان خود پیوستی و او را سبب رسیدن به خشنودیت قرار دادی و فرمانبری او را واجب گرداندی و از نافرمانیش برحذر داشتی...» (الصحیفه السجادیة الجامعة، دعای چهل و هفتم، بخش ششم، ۱۴۱۱ق: ۳۲۲).

۱. حضرت در حدیثی درباره روش اجتهاد می‌فرماید: با عقلهای ناقص، رأی‌های باطل و قیاسهای فاسد، نمی‌توان دین خدا را شناخت؛ این شناخت جز با تسلیم به‌دست نمی‌آید. هرکس تسلیم ما شد، سالم گردید و هرکس به ما اقتدا کرد، هدایت شد و هر کس به قیاس و رأی عمل کرد، هلاک شد... (شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ۱۴۰۵ق: ۳۲۴).

۲. درباره شهادت حجرالاسود به امامت حضرت. ر.ک: طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ۱۴۰۳ق: ۱۴۷ - ۱۴۸.

ترویج علوم اهل بیت (ع)

امام سجاد درباره حق فراگیران، می‌فرماید: «اما حق فراگیرانی که از تو دانش می‌آموزند، این است که بدانی خداوند عزیز با دانشی که به تو داده و گنجینه‌هایی که به روی تو گشوده تو را عهده‌دار آنان قرار داده است؛ پس اگر در آموزش مردم، نیکو و پسندیده رفتار کنی و آنان را به تباهی و گناه و دشواری و پریشانی نکشانی، خداوند از فضل خود بر تو بیفزاید؛ اما اگر مردم را از دانست بازداری یا هنگامی که فراگیران می‌خواهند چیزی از تو بیاموزند، آنان را به تباهی و آلودگی بکشانی، بی‌تردید خداوند دانش و شکوه آن را از تو باز می‌ستاند و دیگر در دلهای مردم جایی نخواهی داشت (ابن بابویه، ج ۲، ۴۱۳ق: ۶۲۱).

ابوحزمه ثمالی گوید به نوشته‌ای برخوردارم که در آن گفتاری از امام سجاد درباره زهد بود. آن را نوشتم و به حضور امام بردم و بر ایشان عرضه کردم. امام آن را شناختند و درستی نوشته و هرچه را در آن بود تأیید کردند (کافی، ج ۸، ۴۰۷ق: ۱۵).

بهره‌گیری از سلاح دعا و عبادت

هنگامی که جامعه دچار انحراف شد، روحیه رفاه‌طلبی و دنیازدگی بر آن غلبه می‌کند و فساد سیاسی و اخلاقی و اجتماعی آن را در محاصره قرار می‌دهد و از نظر سیاسی هیچ روزنه‌ای برای تنفس نخواهد بود. امام سجاد علیه‌السلام توانست از دعا برای بیان بخشی از عقاید خود استفاده کند و بار دیگر تحرکی در جامعه برای توجه به معرفت و عبادت و بندگی خداوند ایجاد کند. گرچه ظاهراً مقصود اصلی این دعاها، همان معرفت و عبادت بود با توجه به تعبیری که وجود دارد، می‌توان گفت که مردم می‌توانستند از لابه‌لای این تعبیرات با مفاهیم سیاسی مورد نظر امام سجاد علیه‌السلام آشنا شوند.

کمک رسانی به اقشار مستضعف و بی‌پناه

یکی از اقدامهای بزرگ امام سجاد علیه‌السلام در عصر امامت خویش، مساعدت و یاری افراد محروم جامعه بود. حضرت هم، مانند اجداد طاهرینش به این عمل عشق می‌ورزید و از خدا، دوستی و همنشینی با تهیدستان را طلب می‌فرمود؛ چنانکه در دعای سی‌ام صحیفه سجادیه می‌فرماید: پروردگارا! همنشینی فقرا و تهیدستان را برایم محبوب گردان و مرا به شکیبایی نیکو بر همنشینی ایشان یاری فرما!

امام سجاد علیه‌السلام با روشهای مختلف به افراد محروم جامعه اسلامی کمک مالی می‌کرد و از این طریق به امت اسلامی می‌آمोخت که مسلمان واقعی، باید از احوال برادر مسلمان خود با خبر، و در غمها و شادیهای وی شریک باشد. این ویژگی متعالی امام علیه‌السلام به صورتهای مختلفی بروز و نمود داشت.

اتخاذ سیاست عفو و گذشت

سیره امام سجاد علیه‌السلام، درسهای تربیتی - اخلاقی فراوانی برای جامعه آن روزگار، که در فساد و فحشا غوطه‌ور بودند به‌همراه داشت. گذشت از خطاکاران، یکی از این شیوه‌هاست. امام زین‌العابدین علیه‌السلام از کسانی که با وی رفتار ناشایستی می‌کردند با بزرگواری گذشت می‌کرد. روزی مردی بیرون خانه، حضرت را دید و ناسزا گفت. خادمان حضرت بر آن مرد حمله بردند. امام علیه‌السلام فرمود «او را رها کنید». سپس به او گفت «آنچه از ما بر تو پوشیده مانده، بیشتر از آن است که می‌دانی. آیا حاجتی داری؟» مرد شرمنده شد و امام علیه‌السلام، گلیمی را که بر دوش داشت بر او افکند و فرمود که هزار درهم به او بدهند. مرد از آن پس می‌گفت «گواهی می‌دهم که تو فرزند پیامبری» (ازبلی، ج ۲، ۱۳۸۱ق: ۸۱).

دفاع از دستاوردهای انقلاب عاشورا

هنگامی که اهل بیت امام حسین علیه‌السلام در سکویی در مسجد جمع شده بودند، پیرمردی نزد آنان آمد و گفت ستایش خداوندی که شما را کشت و نابود، و مردم را از شرتان آسوده کرد و امیرمؤمنان (یزید) را بر شما پیروز گردانید. امام سجاد علیه‌السلام به او فرمود ای پیرمرد آیا قرآن خوانده‌ای؟ گفت آری. فرمود پس این آیه را می‌شناسی: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». ^۱ گفت: آری؛ خوانده‌ام. امام سجاد علیه‌السلام فرمود ای پیرمرد! ما خویشان پیغمبر هستیم. سپس فرمود آیا در سوره بنی‌اسرائیل این آیه را خوانده‌ای: «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ...». ^۲ گفت «آری، خوانده‌ام. فرمود ای پیرمرد! ما ذی‌القربی و خویشان رسول خدا هستیم. سپس فرمود آیا این آیه را خوانده‌ای: «وَاعْلَمُوا

۱. سوره شوری آیه ۲۳. «بگو من هیچ پاداشی از شما در برابر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [اهلبیتم].»

۲. سوره اسراء آیه ۲۶. «حق نزدیکان را بپرداز.»

أَنَّمَا عَنِتُّمْ مِّنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...^۱ گفت آری. فرمود ای پیرمرد! ما همان ذی‌القربی هستیم. سپس فرمود آیا این آیه را خوانده‌ای: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً».^۲ گفت: این آیه را هم خوانده‌ام. فرمود ما همان اهل‌بیتی هستیم که خدا این آیه را مخصوص ما نازل کرد. پیرمرد پس از شنیدن این کلمات، مدتی ساکت، و از سخنان خویش پشیمان شد و گفت شما را به خدا قسم، آیا این آیات قرآن در شأن شماست؟ فرمود ما خاندانی هستیم که این آیات در شأن ما نازل شده است. پیرمرد گریست سپس سر به سوی آسمان برداشت و گفت خدایا! در پیشگاه تو از دشمنان آل محمد از جن و انس بیزاری می‌جویم (شیخ صدوق، حدیث ۳، ۱۴۰۰ق: ۲۳۰)؛ پس از آن به حضرت سجّاد علیه‌السلام گفت آیا توبه من قبول می‌شود؟ حضرت فرمود آری اگر توبه کنی، خداوند قبول می‌کند و تو با ما هستی. پیرمرد گفت من توبه کردم (ابن‌طاووس، ۱۴۱۷ق: ۲۱۳).

یکی از این راه‌ها برپایی مجالس سوگواری، عزاداری علنی و گریه بر شهدای کربلا بود که نوعی مبارزه منفی علیه حکومت یزید به‌شمار می‌رفت. سوگواری و گریه درحقیقت، جلوه‌ای از اعلام مخالفت و بیزاری از دشمنان امام حسین علیه‌السلام بود^۳ که همه بازماندگان از بنی‌هاشم بویژه امام سجّاد به این امر مهم اهتمام می‌ورزیدند.

امام سجّاد علیه‌السلام، هرگاه ظرف آبی را برای نوشیدن برمی‌داشت، چنان می‌گریست که اشک دیدگانش با آب آن ظرف مخلوط می‌شد و وقتی از علت آن سؤال می‌کردند، می‌فرمود «چگونه گریه نکنم در حالی که پدرم از آبی منع شد که [نوشیدن آن] برای درندگان و حیوانات آزاد بود». روزی به حضرت گفته شد روزگارت را با گریه سر می‌کنی، آن هم به‌گونه‌ای که گویا خودت او را کشته‌ای! فرمود «جان من [اباعبدالله الحسین] کشته شده است و برای او می‌گریم» (ابن‌شهر آشوب، ج ۴، ۱۳۷۶ق: ۱۸۰).

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: علی‌بن‌الحسین علیه‌السلام بیست سال در مصیبت

۱. سوره انفال آیه ۴۱. «بدانید هرگونه غنیمتی به‌دست آورید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای ذی‌القربی ... است».

۲. سوره احزاب آیه ۳۳. «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل‌بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

۳. رک: ابوریحان بیرونی، الآثار الباقیة عن القرون الخالیة (۳۹۱ق: ۳۲۹).

پدرش گریست و هر وقت غذا جلوی حضرت می‌گذاشتند گریه می‌کرد. روزی یکی از غلامان به ایشان گفت فدایت شوم ای فرزند رسول خدا، می‌ترسم از فراوانی حزن و اندوه، خود را هلاک کنی، فرمود «از درد و اندوه خویش به خدا شکوه می‌کنم و چیزی از خدا می‌دانم که شما نمی‌دانید^۱». هرگاه کشته‌شدن فرزندان فاطمه را به یاد می‌آورم، بی‌اختیار بغض گلویم را می‌گیرد و اشکم جاری می‌گردد» (ابن شهر آشوب، ج ۴، ۱۳۷۶ق: ۱۷۹).

احیای جامعه مرده آن روز

امام پس از حادثه کربلا دریافته بود که امکان احیای این جامعه مرده با در دست گرفتن رهبری آن وجود ندارد؛ به‌علاوه، درگیر شدن در حرکت سیاسی دیگری با وجود قدرت دیگر احزاب، خطرهایی را در پی داشت که به پیامدهای آن نمی‌ارزید.

ملایمت امام در برخورد با امویان، سبب شد تا امام زندگی آزادی در مدینه داشته باشد و توجه مخالفان را کمتر به خود جلب کند؛ به‌علاوه بعد علمی امام در جهت حفظ دین تجلی بیشتری بیابد. تمجیدهای فراوان از امام، که از زبان اهل سنت باقی مانده شاهد این گفته است. اگر امام درگیر سیاست شده بود، آنان به خود اجازه نمی‌دادند تا این بعد از شخصیت امام را توصیف کنند.

رویارویی با جریانهای فکری و عالمان دربار

امام سجاد علیه‌السلام خطاب به شیعیان فرمودند «ما را بر همان حب به اسلام دوست بدارید و برتر از آنچه هستیم نبرید» (اصفهانی، ج ۳، ۱۳۸۷ق: ۱۳۶).

امام سجاد علیه‌السلام با انحرافهای فکری و عقیدتی جامعه اسلامی، که معلول فاصله گرفتن آن از مکتب اهل‌بیت (ع) با روی کار آمدن حکومت‌های ضد اسلامی بود، مقابله کرد؛ به نظارت بر جریانهای فکری درون جامعه و اصلاح و هدایت جریانهای انحرافی پرداخت و مردم را از خطر غالبان^۲ برحذر داشت؛ با جبرگرایی^۱، مشبّهه^۲، متصوّفه

۱. اشاره است به آیه شریفه قرآن: «إِنَّمَا أَشْكُوا بَثْنِي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (یوسف ۸۶) که خداوند در آن درد و اندوه حضرت یعقوب را در فراق حضرت یوسف نقل می‌کند.

۲. حضرت درباره غلات فرمودند: ...نه آنان از ما آیند و نه ما از آنانیم (شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ۴۰۴ق: ۱۲۰، ح ۱۹۱).

مُتَصَوِّفَه و زاهدنمایان^۳ و عالمان درباری^۴ به مبارزه برخاست؛ با ارائه سیره عملی و احیای سنت رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین علیه‌السلام زمینه انقلاب فرهنگی و علمی را برای دو امام بعدی فراهم کرد؛ زیرا مردم از دین فاصله گرفتند و حتی از مسائل کلی اسلام نیز بی‌خبر بودند؛ لذا حضرت با رعایت شرایط تقیّه به بیان مسائل کلی فقه پرداخت و بستر مناسب بیان جزئیات و تفصیل احکام فقهی در عصر امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام را فراهم آورد.

موضعگیری منفی در مقابل دستگاه خلافت

اگرچه امام سجّاد علیه‌السلام در مدینه از حرکات انقلابی و بهانه‌ساز به نفع خلافت پرهیز کرد، هیچ‌گاه ظالمان را تأیید نکرد و همواره در حدی که موقعیت اجازه می‌داد به مخالفت با حاکمان ظلم و جور پرداخت؛ چنانکه عزاداری و گریه آن حضرت به نوعی حرکت سیاسی در مخالفت با حکومت اموی و افشاگری بر ضد آنها بود؛ زیرا وقتی شخصی چون امام سجّاد علیه‌السلام با آن عظمت و مقام گریه می‌کرد، افرادی که این

۱. وقتی عُبَیدالله بن زیاد به حضرت گفت مگر خدا علی بن‌الحسین را نکشت، حضرت در جواب او فرمود «برادری داشتم به نام علی که مردم او را کشتند» (سیدبن طاووس، الْمَلْهُوفُ عَلٰی قَتْلِ الطُّفُوفِ، ۱۴۱۷ق: ۲۰۲).
۲. وقتی شنید که گروهی، خداوند را به مخلوقات تشبیه می‌کنند، حضرت ناراحت شد و برخاست به سوی قبر رسول خدا (ص) رفت و نزد قبر آن حضرت ایستاد و با صدای بلند چنین گفت خدایا تو را نشناختند و تشبیه‌کنندگان، تو را غیر آنچه سزاواری تصوّر کرده‌اند. ای خدا، من از کسانی که با تشبیه در پی جستن تو برآمدند، بیزارم... (شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ۱۴۱۳ق: ۱۵۲-۱۵۳).
۳. در کلامی می‌فرماید: گروهی از این امت، بعد از اینکه از امامان دین و شجره نبوت جدا شدند، نحلها و فرقه‌هایی شدند، گروهی خود را در اوهام رهبانیت گرفتار کردند... (علی بن عیسی اربلی، کَشْفُ الْعُمَّةِ، ج ۲، ۱۳۸۱ق: ۳۱۰).
۴. نامه تند و تویخ‌آمیز امام سجّاد(ع) به زُهری، بعد از اینکه نصیحت و اندرز او فایده‌ای نبخشید و برخورد حضرت با حسن بصری نمونه‌هایی از این مبارزه است. امام در نامه به زُهری چنین نوشت: ...بناگر فردای قیامت که در برابر خدا باید چگونه مردی باشی؟ آن روزی که خدا از تو بپرسد نعمتهای مرا چگونه رعایت کردی و درباره حجت‌های من چگونه قضاوت کردی، گمان میر که خدا از تو عذری پذیرد و به تقصیر تو راضی باشد. هیئات هیئات، چنین نیست... (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ۱۴۰۴ق: ۲۷۴-۲۷۶) و در برخورد با حسن بصری وقتی دید که او مشغول موعظه‌کردن مردم است به او چنین فرمود: ...آیا از این وضعی که هم اکنون بین خود و خدا داری راضی هستی که اگر در همین حال مرگت فرا برسد هیچ نگران نباشی؟ گفت نه، امام فرمود آیا با خود حدیث نفس می‌کنی تا تغییر وضع دهی و از این وضعی که راضی نیستی بیرون آیی و در حالی که از آن راضی هستی وارد شوی؟ ... سپس امام فرمود پس چرا به جای اینکه خود را نصیحت کنی مردم را اندرز می‌دهی؟... (طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ۱۴۰۳ق: ۱۴۰).

گریه‌ها را می‌دیدند و یا می‌شنیدند، اگر علت آن را می‌دانستند، طبعاً حادثه کربلا و مظلومیت اهل بیت(ع) و هتاک و ستمگری خاندان اموی در خاطرشان تداعی می‌شد و اگر علت آن را نمی‌دانستند، این سؤال مهم در ذهنشان نقش می‌بست که چرا علی بن‌الحسین علیه‌السلام با این درجه و مقام، چنین گریه می‌کند. او فقط برای از دست‌دادن عزیزانش گریه نمی‌کند؛ چه اینکه می‌داند مرگ حق است و رسیدن به مقام قرب الهی و در جوار حق بودن آرزوی هر بنده صالح خداست؛ پس گریه او علاوه بر جنبه عاطفی، می‌تواند علت دیگری نیز داشته باشد و آن زنده‌نگهداشتن حماسه‌ای بزرگ برای دستیابی به هدفی بزرگتر است که همان احیای دین و مکتب اسلام و اصلاح جامعه‌ای است که در بند انحرافات و حاکمانی ناصالح و غاصب گرفتار آمده است؛ هدفی که حسین بن علی علیه‌السلام برای آن به شهادت رسیده است.

در پی قیام مختار و درخواست همراهی از امام سجاد علیه‌السلام نیز گرچه حضرت به وی پاسخ مثبت نداد؛ زیرا در آن وضعیت چنین اقدامی چه بسا به نابودی شیعه منجر می‌شد با تأیید کلی نهضت، رهبری آن را به عمویش محمد حنفیه واگذار کرد و فرمود «عمو! حتی اگر برده سیاهی به خونخواهی ما قیام کند بر مردم واجب است که او را یاری و تقویت کنند و من این امر را به تو واگذار می‌کنم؛ پس آنچه می‌خواهی انجام بده. وقتی مردم کلام ایشان را شنیدند از منزل آن حضرت خارج شدند در حالی که می‌گفتند اینک زین العابدین و محمد بن حنفیه به ما اجازه داده‌اند» (ابن‌نما، ۱۴۱۶ق: ۹۷ و مجلسی، ج ۴۵، ۱۴۰۳ق: ۳۶۵).

امام در مواقعی نیز قیام مختار را تأیید کرد؛ چنانکه وقتی سر عبیدالله بن زیاد را برای ایشان آوردند حضرت سجده شکر به‌جا آورد و برای مختار دعا، و طلب خیر کرد (طوسی، ج ۱، ۱۴۰۴ق: ۱۲۷، ح ۲۰۳)؛ اما در عین حال برای اینکه بهانه به دست امویان نیفتد، حضرت در مواردی هم از مختار اعلام بیزاری کرد. تا جاسوسان خیر مخالفت امام علیه‌السلام را با مختار به حکومت برسانند (طوسی: ۱۲۶، ح ۲۰۰).

هـ. مهمترین پیامدهای مدیریت بحران امام سجاد علیه‌السلام

مدیریت بحران با اعمال ولایت می‌تواند راهگشای حل مشکلات و توسعه کارها

باشد. این مدیریت در نظام ولایی توسط امام واجب‌الاطاعه‌ای صورت می‌گیرد که فرستاده خدا، و به نیازهای مادی و معنوی بشر آگاه است و می‌داند سعادت مادی و معنوی بشر در چیست. بنابراین او صلاحیت بیشتری برای حل بحران دارد.

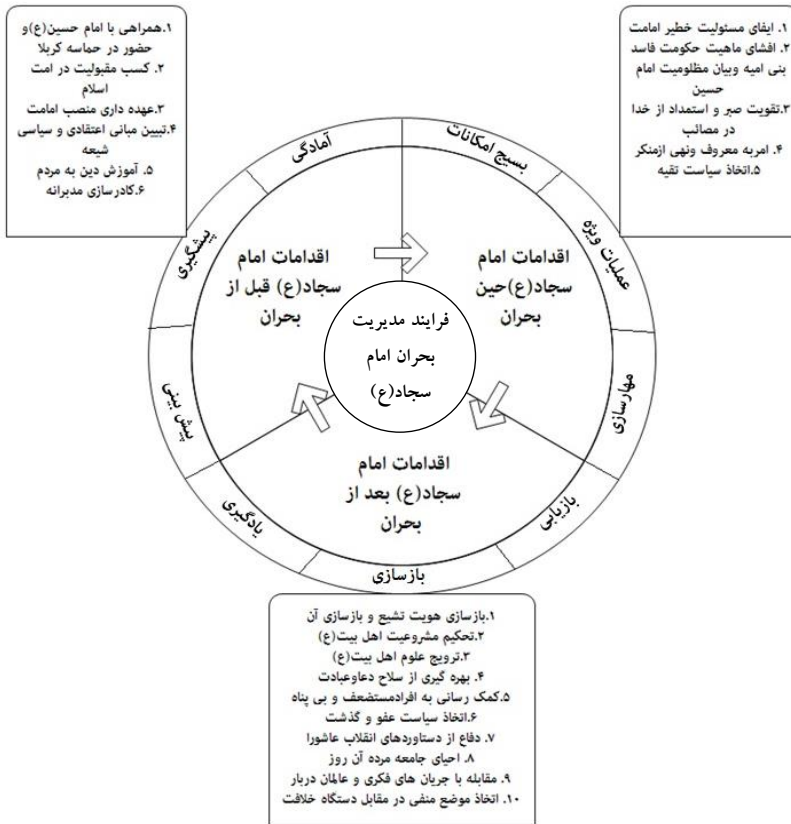
براساس نظریه مدیریت بحران و بررسی ابعاد آن با حیات فکری و سیاسی امام سجاد علیه‌السلام روشن شد که مهمترین پیامدها و دستاوردهای نقش امام، تداوم خط امامت، انتقال پیام کربلا، تبیین باورها و رفتارهای دینی مبتنی بر نظام شیعه، اثبات حقانیت و مشروعیت حکومت ائمه و نامشروع بودن ظلم و حاکمیت بنی‌امیه، ایجاد زمینه رشد علمی و معرفتی شیعیان، سست شدن پایه‌های حکومتی ظلم، و آماده کردن فضای دفاع از حریم اسلام و تشیع، است.

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه عصر امام سجاد علیه‌السلام یکی از بحرانی‌ترین دورانهای تاریخ اسلام بوده است - دوره‌ای که شیعه از بعد اعتقادی، سیاسی و اجتماعی در موقعیت بسیار سختی به سر می‌برد و تشکیلات و شیرازه نظام تشیع در حال فروپاشی بود - آن حضرت با به‌کارگیری مدیریت سه‌مرحله‌ای بحران، همان‌طور که در الگو مشاهده می‌شود، توانستند با بحرانهای سیاسی و اجتماعی رویارویی، و آثار زیانبار آن را مهار کنند.

به‌طور کلی در تحقیق این موارد بررسی شد:

۱. مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده بحران سیاسی و اجتماعی در عصر امام سجاد علیه‌السلام
۲. اقدامات امام سجاد علیه‌السلام قبل از بحران
۳. اقدامات امام سجاد علیه‌السلام هنگام بحران
۴. اقدامات امام سجاد علیه‌السلام پس از بحران
۵. پیامدهای مدیریت بحران توسط امام سجاد علیه‌السلام



نمودار ۲. الگوی گونه‌شناسی مدیریت امام سجاد علیه‌السلام در حل بحرانهای سیاسی و اجتماعی

منابع

۱. قرآن کریم
۲. صحیفه سجادیه (۱۴۱۱ق)، تحقیق سید محمدباقر موحد ابطحی، قم: مؤسسه الامام مهدی (ع).
۳. ابن‌سعد، محمد (۱۳۷۴ش)، الطبقات، محقق: محمود مهدوی دامغانی، تهران: فرهنگ و اندیشه.
۴. ابن‌شهر آشوب، محمد بن علی (۳۷۶ق)، مناقب آل ابی طالب، نجف اشرف: مطبعه الحیدریه.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ج ۲، قم: جامعه مدرسین.
۶. ابن‌عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شری، بیروت: دارالفکر.
۷. ابن‌عنه، احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، عمده المطالب فی أنساب آل ابی طالب، قم: مؤسسه انصاریان.
۸. اربلی، ابوالحسن علی بن ابی‌الفتح (۱۳۸۱ق)، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، تبریز: مکتبه بنی‌هاشمی.
۹. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول (۱۴۰۴ق)، ج ۲، قم: جامعه مدرسین.
۱۰. ابن‌اعثم الکوفی، ابومحمد احمد (۱۴۱۱ق)، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالاضواء.
۱۱. ابن‌طاووس، سیدعلی بن موسی (۱۴۱۷ق)، اللهوف علی قتلی الطّفوف، ج ۲، قم: دارالأسوه للطباعة والنشر.
۱۲. ابن‌نما، جعفر بن محمد (۱۴۱۶ق)، ذوب النضار فی شرح الثار، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۳. ابونعیم اصفهانی، حلیه الاولیاء (۱۳۸۷ق)، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۴. چاک، جک‌گاتز (۱۳۸۳ش)، مدیریت بحران در بخشهای خصوصی و دولتی، ترجمه علی پارسائیان، تهران: انتشارات ترمه.
۱۵. خوارزمی، موفق بن احمد (۳۶۷ق)، مقتل الحسین، نجف: مطبعه الزهراء.
۱۶. جعفریان، رسول (۱۳۷۶ش)، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، ج ۱، قم: انتشارات انصاریان.
۱۷. رضوانی، حمیدرضا (۱۳۸۵ش)، مدیریت بحران، ماهنامه تدبیر، س ۱۸، ش ۱۷۰.
۱۸. روشندل اربطانی، ظاهر؛ پورعزت، علی اصغر و قلی‌پور، آرین (۱۳۸۸ش)، تدوین الگوی جامع فراگرد مدیریت بحران با رویکرد نظم و امنیت، نشریه دانش انتظامی، س دهم، ش ۲.

۱۹. شهیدی، سیدجعفر (۱۳۸۰ش)، زندگانی علی بن‌الحسین (ع)، ج ۱۰، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۰. صدوق، محمدبن علی (۱۴۰۰ق)، امالی، ج ۵، بیروت، اعلمی.
۲۱. طبری، محمدبن جریر (۱۴۰۹ق)، تاریخ‌الامم و الملوک، ج ۴، چ ۵، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات.
۲۲. طوسی، ابوجعفر (۱۴۰۴ق)، اختیار معرفه‌الرجال، تصحیح: میرداماد الأسترابادی، قم: نشر بعثت.
۲۳. مسعودی، ابوالحسن (۱۴۱۷ق)، اثبات‌الوصیة، قم: مؤسسه‌انصاریان.
۲۴. مفید، ابو عبدالله محمد بن‌النعمان (۱۴۱۳ق)، الارشاد، ج ۲، قم: مؤسسه‌آل‌البيت (ع).
۲۵. مختاره‌اللیثی، سمیره (۱۳۷۱ش)، جهاد‌الشیعه، قم: نشرالبطحاء.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار‌الانوار، ج ۲، بیروت: مؤسسه‌الوفاء.
۲۷. کشی، محمدبن‌عمر (۱۳۶۳ش)، رجال‌کشی، ج ۱، قم: مؤسسه‌آل‌البيت.
۲۸. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، روضه‌کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

29. Booth, Simon, Crisis Management Strategy, Routledge, 1993.